



سنجش و ارزیابی میزان تاب آوری (نمونه موردی شهر بابلسر)

صدرالدین متولی^{۱*}، سوزان یوسف جمالی^۲

۱- دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور، استان مازندران

Sadr_m1970@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نور، استان مازندران

Syjamali@yahoo.com

چکیده :

تفکر تاب آوری در سیستم های پیچیده مانند شهرها درک پویایی و روابط غیرخطی در این نوع سیستم ها را میسر می سازد. این تفکر، در بستر اکولوژی شهری مدرن امکان یکپارچه سازی عوامل انسانی و اکولوژیکی در سیستم های شهری و درک تعاملات بین آنها، بسط راهبردهای پایداری با توجه به تعاملات شناسایی شده را فراهم می آورد. امروزه عمدتاً شهرها و جوامع سکونت گاهی در مکان هایی ایجاد یا بنا شده اند که به لحاظ مخاطرات طبیعی در معرض وقوع انواع سوانح طبیعی و یا به دلیل پیشرفت های تکنولوژی در معرض انواع سوانح انسان ساخت هستند. نگاهی که تاکنون در مدیریت سوانح و مدیریت شهری وجود داشته، بیشتر نگاه مقابله ای و کاهش مخاطرات بوده است. هدف اصلی از انتخاب این موضوع و انجام این پژوهش سنجش و ارزیابی تاب آوری شهر بابلسر با شاخص های استاندارد جهانی و شناسایی روش های کاهش آسیب پذیری ناشی از زلزله با استفاده از فنون برنامه ریزی شهری و مدیریت بحران می باشد. رویکرد مورد استفاده در این پژوهش رویکرد تاب آوری است. روش تحقیق مقاله توصیفی - تحلیلی - تطبیقی است. پژوهش مورد نظر دارای دو بخش کلی است. بخش اول مبانی نظری در مورد مخاطرات و رویکرد تاب آوری و بخش دوم به بررسی و ارائه برنامه فضایی برای شهر بابلسر به منظور پیشگیری از بحران زلزله و کاهش آسیب پذیری آن است. در سال های اخیر، مطالعه دربار هی مفاهیم تاب آوری در مقیاس های شهری و منطق های توجه ویژه ای را به خود جلب کرده است، هرچند سطح و تعداد این مطالعات در مقیاس شهری بیش از مطالعات انجام شده در مقیاس های بالاتر است. از این رو، خلأ این دسته از مطالعات در حوزه ی مطالعات منطق های نمایان است. به ویژه در کشور ایران، با وجود برخی مطالعات در زمینه ی متون نظری در مقیاس شهری، هنوز مطالعه ی عمیق و جامعی بر روی مفهوم تاب آوری در بعد منطق های صورت نپذیرفته است. بنابراین کاهش خطر سوانح از اهمیت خاصی برخوردار است و ضرورت دارد جایگاهی مناسب در سیاست گذاریهای ملی هر کشور باز کرده تا بتوان شرایط مطلوبی برای کاهش خطر موثر و کارا در سطوح مختلف ایجاد نمود به همین دلیل اندیشمندان، متخصصان



دانشگاهی و برنامه ریزان تلاش می کنند الگوهایی را مورد مطالعه قرار دهند تا برنامه های کاهشی را با موفقیت انجام دهند تا کمترین خسارات به وسیله ی این نوع از مخاطرات بر جای ماند.

واژگان کلیدی: سنجش و ارزیابی ، تاب آوری ، شهر بابلسر

مقدمه :

در طی سالهای گذشته، جهان شاهد برخی از مخاطرات پیش بینی نشده طبیعی چون تسونامی آسیا، گردباد کاترینا و زمین لرزه سیچوان چین بوده است. اگرچه برخی از ابزارهای پیش بینی کننده به کار گرفته شده اند ، اما واقعیت این است که مخاطرات آتی را نمی توان بر اساس شواهد پیش بینی کرد و همچنین نمی توان به راحتی حالت، اندازه و مکان این مخاطرات را از پیش بیان کرد. بنابراین افزایش یا بهبود توان ظرفیتی یک سیستم برای ایستادگی و بازیابی در برابر مخاطرات بسیار مهم است. امروزه ، وقوع بلایای طبیعی، به عنوان پدیده ای تکرارپذیر وجود دارد که در برخی از موارد با آسیب های شدید مادی معنوی همراه است. این موضوع بیانگر این است که جوامع و افراد به صورت فزاینده ای آسیب پذیرتر شده و ریسک ها نیز افزایش یافته اند. این مخاطرات پتانسیل این را دارند که در نبود سیستمهای کاهش مخاطرات به سوانحی هولناک تبدیل شوند(با این حال کاهش ریسک و آسیب پذیری اغلب تا بعد از وقوع سوانح نادیده انگاشته می شوند. دو نوع استراتژی برای مواجهه با سوانح وجود دارد که عبارتند از: استراتژی پهای پیش بینی و استراتژی پهای تاب آوری؛ اولی برای روبرو شدن با مشکلات و معضلات شناخته شده و دومی برای مقابله با مشکلات ناشناخته به کار می رود. (رضایی و همکاران، ۱۳۹۲ به نقل از Chadha et al, 2007 Mayunga, 2007.mandin et al, 2011).

سوانح طبیعی در دنیا همواره با چالشی بزرگ در راه توسعه پایدار مورد توجه بوده است. و در نتیجه، راههای رسیدن به این توسعه به وسیله الگوهای کاهش آسیب پذیری ضرورت پیدا کرده است. در این میان تبیین رابطه تاب آوری در برابر سوانح طبیعی، در واقع نحوه تاثیر گذاری ظرفیت های اجتماعی، اقتصادی، نهادی، سیاسی و اجرایی جوامع در افزایش تاب آوری و شناخت ابعاد تاب آوری در اجتماع است. شایان ذکر است که نوع نگرش به مقوله تاب آوری و نحوه تحلیل آن، از یکطرف در چگونگی شناخت تاب آوری وضع موجود و علل آن نقشی کلیدی دارد و از طرف دیگر سیاست ها و اقدامات تقلیل خطر خطر و نحوه رویارویی با آن را تحت تاثیر اساسی قرار می دهد. بنابراین کاهش خطر سوانح از اهمیت خاصی برخوردار است و ضرورت دارد جایگاهی مناسب در سیاست گذاریهای ملی هر کشور باز کرده تا بتوان شرایط مطلوبی برای کاهش خطر موثر و کارا در سطوح مختلف ایجاد نمود(رضایی ۱۳۹۲ به نقل از Davis et al, 2005). سکونتگاه های انسانی از ابتدای تاریخ بشری همواره در معرض بلایا و بحرانهای گوناگونی بوده اند که پایداری آنها را تهدید می کرد. این روند با تغییرات و تحولات فراوانی هم اکنون نیز در شهر ها و سایر سکونتگاه ها دیده می شود. بحران ها بلاهایی که انسان را تهدید می کنند به دو دسته ی بلایای طبیعی و بلایای انسان ساخت تقسیم میشوند. (قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور ، ۱۳۸۸) شهرها و مناطق شهری نماینده سیستم های متراکم و پیچیده ای از خدمات به هم پیوسته هستند. به این ترتیب، آن ها با شمار فزاینده ای از مسائلی که مسبب خطرپذیری بلایا هستند روبه رو می باشند. می توان به عنوان بخشی از یک آرمان، راهبردها و سیاست هایی را برای پرداختن به هر یک از این مسائل ایجاد نمود تا شهرها را هر اندازه که باشند و هر هویتی